

جبران خسارات جرائم زیست محیطی در حقوق بین الملل و حقوق ایران

امین جعفری^{۱*}، اصغر احمدی^۲

چکیده

جرائم زیست محیطی با چالش های فراوانی روبه روست که سبب می شود نتوان همچون جرائم ساده به ترمیم خسارات ناشی از آنها اقدام کرد. نخست آنکه گاه بزهکار زیست محیطی یا دولت است (مانند سدسازی های بی رویه دولتها) یا شرکت های قدرتمند (مانند شرکت های تولیدکننده محصولات تراریخته) که در پس لابی های ثروت قدرت به رفتارهای ناقض محیط زیست اقدام می کنند. دوم آنکه قربانیان جرائم زیست محیطی گاه به حدی کثرت دارند که نمی توان جبران خسارات متعارف را در مورد آنها اعمال کرد، مانند قربانیان آلودگی هوا، ریزگردها و آب آشامیدنی ناسالم. سرانجام آنکه جبران خسارت زیست محیطی مبتنی بر نظریه مسئولیت محض است، در حالی که مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران مبتنی بر نظریه تقصیر است و از این جهت پویایی لازم برای جبران خسارات جرائم زیست محیطی را ندارد. با وجود این هم در حقوق بین الملل و هم حقوق ایران جبران خسارات جرائم زیست محیطی از یک سو ماهیتی ترمیمی دارد و از سوی دیگر بر دیدگاه های بزهکارمدار و دولتمدار استوار است. از این رو نخست بزهکار تکلیف بر اعاده وضع به حالت سابق دارد و در غیر این صورت، مکلف به جبران ضرر و زیان خواهد بود. اما در صورت ناتوانی بزهکار، دولت در پرتو صندوق زیست محیطی تکلیف به جبران خسارت دارد.

کلیدواژگان

جرائم زیست محیطی، جبران خسارات، مسئولیت مدنی، حقوق بین الملل، حقوق ایران.

۱. استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: amin.jafari@atu.ac.ir
۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. Email: Ahmadi.niya@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۰

مقدمه

ویژگی بزه، بزه‌کار و بزه‌دیده در جرائم زیست‌محیطی^۱ آن را از بزه‌های سنتی متمایز می‌کند که این امر سبب بروز چالش‌هایی در راه جبران خسارات زیست‌محیطی^۲ می‌شود. با وجود این چالش‌ها، باید خساراتی را که از جرائم زیست‌محیطی به بار می‌آیند، جبران کرد. اما در پرتو این تکلیف دو پرسش مهم به وجود می‌آید: نخست آنکه ماهیت این جبران خسارات چیست و دوم آنکه راهکارهای نیل به این هدف کدام‌اند.

در پاسخ به پرسش نخست باید گفت که جبران خسارات ناشی از جرائم زیست‌محیطی هم در حقوق بین‌الملل و هم در نظام حقوقی ایران ماهیتی ترمیمی دارد. بنابراین هدف، بازگشت وضع به حالت سابق و ترمیم آسیب‌های وارده بر محیط زیست است و هدف ترضیلی در درجه دوم اهمیت قرار دارد. اما چون نظام مسئولیت مدنی سنتی که مبتنی بر نظریه تقصیر است، توان جبران خسارات آسیب‌های زیست‌محیطی را ندارد (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷: ۲۸۵). حقوق بین‌الملل به سوی افتراقی کردن جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی و مبتنی کردن آن به نظریه مسئولیت محض گام برداشته است. در نظام حقوقی ایران نیز هر چند چنین سیاست یکپارچه‌ای به چشم نمی‌خورد، اما با استناد به برخی اصول قانون اساسی و مقررات خاص زیست‌محیطی می‌توان گفت که جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی تا حدی افتراقی شده است. با وجود این زمانی که ماهیت جرم زیست‌محیطی علیه دارایی اشخاص و نه منافع عمومی است، همچنان از رهگذر مسئولیت مدنی سنتی قابل جبران است.

در پاسخ به پرسش دوم باید گفت که در پرتو ماهیت ترمیمی جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی بهترین راهکار این جبران، «اعاده وضع به حالت سابق» توسط بزه‌کار است. چنانچه به هر دلیلی امکان اعاده وضع به حالت سابق وجود نداشته باشد، در گام بعدی نوبت به تکلیف بزه‌کار به پرداخت ضرر و زیان در پرتو اصل شناخته‌شده «آلوده‌کننده باید بپردازد»^۳ می‌رسد. با وجود این گاه به دلایلی چند از رهگذر بزه‌کار نمی‌توان به جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی اقدام کرد، آنجاست که در گام سوم نوبت به تکلیف دولت در پرتو راهکار صندوق ملی - بین‌المللی محیط زیست می‌رسد. این صندوق ماهیتی دوگانه دارد و متشکل از دو راهکار است. ابتدا دولت باید درصد اعاده وضع به حالت سابق برای محیط زیست طبیعی برآید و سپس به پرداخت غرامت (پرداخت ضرر و زیان) به بزه‌دیدگان انسانی بپردازد. به همین سبب برای بررسی دقیق‌تر جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی، ابتدا چالش‌ها و ماهیت آن و سپس راهکارهای آن را بررسی می‌کنیم.

1. Environmental Crimes

2. Environmental damage / Dommage Environnementaux

3. Polluter pays principle

چالش‌ها و ماهیت جبران خسارات جرائم محیط زیستی

در امور مدنی چنانچه شخصی به دیگری خسارتی وارد آورد، مکلف به جبران آن است. اما آیا به‌راستی جرائم محیط زیستی همسان با جرائم سنتی چنین قابلیت‌هایی دارند که مرتکبان آنها را محکوم به جبران خسارت کنیم؟. در صورت مثبت بودن پاسخ باید دید که اساس و ماهیت این جبران خسارت چه خواهد بود و چگونه باید جبران شود. برای نمایان شدن پاسخ این پرسش باید دید که جبران خسارت جرائم محیط زیستی تا چه حد در حقوق بین‌الملل و نظام حقوقی ایران به رسمیت شناخته شده و ماهیت این جبران خسارت چیست. اما نخست باید دید که چه چالش‌هایی در راه جبران خسارات زیست‌محیطی وجود دارد.

۱. چالش‌های جبران خسارات جرائم محیط زیستی

در خصوص جبران خسارات زیست‌محیطی چند چالش وجود دارد؛ نخست در مورد خسارات زیست‌محیطی که هم تمامی آنها جرم‌انگاری نشده‌اند و هم برخی از آنها جنبه فرامرزی دارند. توضیح آنکه هرچند در قوانین کیفری نظام‌های حقوقی مختلف رفتارهای ناقض محیط زیست جرم‌انگاری شده‌اند، سیاهه این جرائم همه آن چیزی نیست که سبب زوال محیط زیست می‌شود. به همین سبب رویکرد جرم‌شناسی سبز^۱ معتقد است که از جرائم محیط زیستی که اغلب توسط شرکت‌ها، گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته و دولت‌ها وقوع می‌پیوندند (گرجی‌فرد، ۱۳۹۵: ۱). حمایت قانونی سنجیده‌ای به‌عمل نیامده و دولت‌ها در قانونگذاری به‌سوی تبعیض پیش‌رفته‌اند. از دیدگاه جرم‌شناسان سبز قوانین کیفری از تمامی آسیب‌های محیط زیستی حمایت نمی‌کند و افعال مخرب محیط زیست آن چیزی است که موجب ایجاد ضرر شود، اعم از آنکه جرم‌انگاری شده باشد یا خیر. بنابراین از نظر جرم‌شناسی سبز تمامی رفتارهای آسیب‌زننده به محیط زیست جرم محسوب می‌شوند (White, 2008: 45)، چون ضرر به معنای هر گونه رفتار آسیب‌زا به بشر، حیوانات یا محیط زیست است (دانش‌ناری، ۱۳۹۲: ۸۶). دومین ویژگی جرائم زیست‌محیطی به ماهیت فرامرزی این جرائم برمی‌گردد که سبب می‌شود نظام‌های حقوقی متنوعی به موضوع ورود پیدا کنند. از جمله جرائم محیط زیستی فرامرزی^۲

۱. Green Criminology/ Criminalité verte ou crime écologique. در یک تعریف مصداقی از جرم‌شناسی سبز، لینچ و استرستسکی عقیده دارند که این شاخه از بزه‌شناسی به مطالعه آسیب، بزه و پاسخ در قبال آن، بزه‌دیدگی و قربانی شدن، عدالت زیست‌محیطی، قوانین و مقرره‌های زیست‌محیطی و موضوع‌های فلسفی و اخلاقی به‌عنوان موضوع‌هایی که به انسان، جانوران، گونه‌های گیاهی و اکوسیستم و اجزا آن مربوط می‌شوند، می‌پردازد (Lynch & Stretesky, 2011 به نقل از عیاجی، ۱۳۹۲).

2. Transnational Environmental Crimes

می‌توان به انتقال غیرقانونی و دفع پسماندهای سمی، انتقال مواد خطرناک مانند مواد کاهنده لایه اوزون، قاچاق مواد بالقوه یا بالفعل پرتوزا و هسته‌ای، تجارت غیرقانونی گیاهان و جانوران و ماهیگیری و صید غیرمجاز و جرائم مرتبط با آلودگی‌های زیست‌محیطی اشاره کرد (وایت، ۱۳۹۴: ۳۷). تعدد نهادهای تصمیم‌گیری و قضایی داخلی و بین‌المللی از عمده مشکلات در این خصوص است. علاوه بر این دو مورد، ویژگی سوم جرائم زیست‌محیطی در تعیین دقیق خسارات ناشی از جرائم زیست‌محیطی است. تشخیص این امر به‌ویژه در مواردی مانند ریزش باران‌های اسیدی یا آلودگی واحدی که از منابع متعدد ناشی می‌شود، بسیار پیچیده‌تر و مشکل‌تر است (زمانی، ۱۳۸۱: ۳۰). همچنین رابطه علی و معلولی بین فعالیت منشأ خسارات و خسارت وارده، فاصله مبدأ و محل بروز خسارات و همچنین مشکلات مربوط به ارزیابی آنها جبران خسارات زیست‌محیطی را با جبران خسارات در دیگر حوزه‌ها متفاوت ساخته است (موسوی و قیاسیان، ۱۳۹۰: ۳۲۸).

دومین چالش در خصوص بزهکاران زیست‌محیطی^۱ است که علاوه بر اینکه بزهکاری خود را به صورت سازمان‌یافته و جمعی انجام می‌دهند، برخی از آنها از ماهیتی دولتی برخوردارند (Kauzlarich et al., 2001: 177; Gray, 1995: 219)، زیرا مهم‌ترین جرائم محیط زیستی را شرکت‌ها (به خصوص شرکت‌های چندملیتی)، گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته و دولت‌ها مرتکب می‌شوند (گرچی فرد، ۱۳۹۵: ۱).

سرانجام سومین چالش در خصوص بزه‌دیدگان زیست‌محیطی^۲ است. این چالش را می‌توان از دو منظر بررسی کرد؛ اول از منظر «گونه‌شناسی» بزه‌دیدگان و دوم از منظر «گستره» آنها. از منظر گونه‌شناسی، بزه‌دیدگان محیط زیستی به سه دسته اشخاص، طبیعت و نسل‌های آینده تقسیم می‌شوند. بدیهی است که تنها انسان‌ها و حتی اشخاص حقوقی بزه‌دیده جرائم محیط زیستی واقع نمی‌شوند، بلکه با نگاهی طبیعت‌محور حتی خود محیط زیست نیز بزه‌دیده محسوب می‌شود. از سوی دیگر، چالش جبران خسارت جرائم محیط زیستی در مورد نسل‌های آینده بیشتر می‌شود، چراکه محیط زیست موهبتی خداوندی است که تنها به نسل حاضر تعلق ندارد و در صورت تخریب آن نسل‌های آینده نیز بزه‌دیده خواهند بود.^۳ در واقع تدوین قانون

1. Environmental Affenders

2. Environmental Victims

۳. تعهد به حفظ محیط زیست برای نسل‌های آینده هم در اسناد بین‌المللی و هم در اسناد داخلی مورد توجه قرار گرفته است. از این رو اصل اول کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد انسان و محیط زیست (استکهلم) مصوب ۱۹۷۲ مقرر می‌دارد: «انسان... مسؤولیت حفظ و بهبود محیط زیست برای نسل حاضر و نسل‌های آینده را بر عهده دارد». همچنین اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ در این زمینه بیان می‌دارد: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می‌گردد...».

جرائم علیه نسل‌های آینده، در این حوزه بر پایه اصل عدالت بین‌نسلی^۱ استوار است؛ بر پایه این اصول نسل حاضر دارای حق استفاده و بهره‌مندی از زمین است، اما در مقابل باید متعهد باشد که تأثیر بلندمدت فعالیت‌ها و تعهد به پایداری منابع پایه و محیط زیست جهانی به‌منظور حفظ منافع نسل‌های آینده را نیز در نظر بگیرد (گرچی فرد، ۱۳۹۵: ۱۸۵).

اما از منظر گستره بزه‌دیدگان محیط زیستی باید گفت که این نوع بزه‌دیدگان نخست بسیار کثرت دارند که به معنای جمعیت زیاد آنهاست. برای مثال در پدیده ریزگردها که چند سالی است ایران را درگیر خود کرده است، بیشتر استان‌های کشور این پدیده را لمس و آثار منفی آن را حس کردند. دوم آنکه این بزه‌دیدگان دارای وسعت بسیارند که به معنای فرامرسی بودن آنها است. برای مثال در پدیده تغییرات اقلیمی کره زمین درگیر این قضیه خواهد شد و تنها به بخشی از آن مربوط نخواهد شد.

۲. پذیرش جبران خسارت در حقوق بین‌الملل و نظام حقوقی ایران

در حقوق بین‌الملل اسنادی را که به‌نحوی بر جبران خسارت بزه‌دیدگان توجه داشته‌اند، می‌توان به دو دسته عمومی و اختصاصی (محیط زیستی) تقسیم کرد. جبران خسارت بزه‌دیدگان در سه سند عمومی مورد تأکید قرار گرفته است. این اسناد عبارت‌اند از: کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرائم خشونت‌بار مصوب ۱۹۴۸^۲ شورای اروپا، اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت مصوب ۱۹۸۵^۳ سازمان ملل متحد و اصول و رهنمودهای بنیادی درباره حق جبران و ترمیم برای بزه‌دیدگان نقض‌های فاحش حقوق بین‌المللی حقوق بشر و نقض‌های شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی مصوب ۲۰۰۵^۴ سازمان ملل متحد.

هرچند بزه‌دیده، عنصر اساسی دادرسی اروپایی حقوق بشر، در حقوق کیفری اروپایی جایگاه ویژه‌ای دارد (پرادل، ۱۳۹۴: ۱۶۱) و از این نظر کنوانسیون نخست از نخستین اقدام‌ها در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان است، اما دارای ویژگی‌هایی همچون انحصار به جرائم خشونت‌آمیز عمدی، محدود کردن گستره جبران به پرداخت غرامت و وقوع آسیب بدنی یا آسیب به سلامتی بزه‌دیده (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰ الف: ۱۱۵-۱۱۴) است که این امر سبب شده است در خصوص اعمال آن بر بزه‌دیدگان جرائم زیست‌محیطی تردید جدی به‌وجود آید، زیرا از

1. Intergenerational justice
2. European Convention on the Compensation of Victims of Violent Crimes, Strasbourg, 24. XI. 1983.
3. Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power; A/RES/40/34, 29 November 1985.
4. Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law. [GA Res. 147, 16 Dec. 2005, A/RES/60/147; 13 IHRR 907 (2005)]

یک سو این کنوانسیون بر «اشخاص» به عنوان بزه‌دیده نظر دارد و این سبب می‌شود که نتوان طبیعت (گیاهان، درختان، جانوران و...) را در زمره این دسته از بزه‌دیدگان قرار داد و از سوی دیگر، جرائم محیط زیستی در تعریف جرائم خشونت‌آمیز که مبین رفتارهای فیزیکی توأم با خشم هستند، نمی‌گنجد.

اما اعلامیه دوم عملکرد بهتری نسبت به کنوانسیون نخست داشته است. یکی از نوآوری‌های این اعلامیه، جدا کردن دو مفهوم «جبران خسارت»^۱ و «گرامت»^۲ است که هر دو در زیر مفهومی بنیادی به نام «حق جبران» می‌گنجد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۲۲۵). از آنجا که اصل بر مسئول بودن بزهکار در جبران خسارت بزه‌دیده است (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۹۷)، اعلامیه نیز جبران خسارت را، تکلیف بزهکار یا اشخاص ثالث به برگرداندن مال یا پرداخت پول برای آسیب یا زیان واردشده به بزه‌دیده، و نیز پرداخت هزینه‌هایی که بزه‌دیده به دنبال بزه‌دیدگی متحمل شده دانسته است (بند ۸ اعلامیه)؛ ولی پرداخت گرامت در جایی است که بزهکار یا شخص مسئول جبران خسارت به دلایلی چون فرار، مرگ و ناتوانی در دسترس نبوده (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۲۲۵) و از این جهت دولت مکلف به پرداخت گرامت است (بندهای ۱۲ و ۱۳ اعلامیه). بنابراین پرداخت گرامت یا جبران دولتی خسارت بزه‌دیدگان عبارت است از پرداخت پول از طرف دولت به بزه‌دیدگان یا خانواده‌های آنها در برابر زیان‌ها یا آسیب‌های ناشی از جرم، در مواردی که جبران خسارت از سوی بزهکار یا دیگر منابع مالی امکان‌پذیر نباشد (فرجیها و بازیار، ۱۳۹۰: ۱۳۳). اما نگاه این مقاله به هر دو جنبه جبران است و بدون تفکیک مزبور در اعلامیه درصدد است تا زوایای حق جبران در جرائم محیط زیستی را نمایان سازد.

اما جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی به صورت خاص، یعنی در حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله اصول ۹، ۱۲، ۱۳ و ۲۲ اعلامیه انسان و محیط زیست، موضوع کنفرانس سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۷۲ (اعلامیه استکهلم)^۳ و اصول ۱۳ و ۱۶ اعلامیه محیط زیست و توسعه (همایش زمین)، موضوع کنفرانس سازمان ملل متحد درباره مصوب ۱۹۹۲ (اعلامیه ریو)^۴ حق بر جبران خسارت را به رسمیت شناخته‌اند. اصل ۲۲ اعلامیه استکهلم در این زمینه اعلام می‌دارد: «دولت‌ها باید در توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل، درباره مسئولیت و یا جبران خسارات قربانیان آلودگی و دیگر صدمات زیست‌محیطی ناشی از فعالیت داخل در محدوده قانونی و یا مناطق تحت کنترل خود، در نواحی ماوراء قلمروشان همکاری کنند». همچنین اصل ۱۳ اعلامیه ریو مقرر می‌دارد: «کشورها باید قوانین ملی به منظور تعقیب

1. Restitution

2. Compensation

3. Déclaration de Stockholm sur l'environnement (Stockholm- 16 juin 1972).

4. Déclaration de la Conférence des Nation Unies sur l'environnement et le développement (Sommet de la Terre) Rio - 1992.

عادلانۀ عاملان آلودگی محیط زیست و قربانیان این آلودگی تدوین کنند. به‌علاوه، کشورها باید به‌سرعت و با قاطعیت جهت تنظیم یک‌سری قوانین بین‌المللی با تضمین جبران خسارات و پیامدهای منفی آلودگی محیط زیست با یکدیگر همکاری کنند و متعهد به جبران خسارات آثار خارجی فعالیت‌هایی که بر اساس موازین قانونی به عمل می‌آورند باشند».

علاوه بر این، مقررات زیست‌محیطی دیگری نیز بر لزوم جبران خسارات تأکید کرده‌اند که می‌توان مهم‌ترین آنها را به قرار ذیل دانست: دستور کار ۲۱ که دولت‌ها و قانونگذاران را در جهت ایجاد رویه‌های قضایی و اداری برای دادخواهی جبران خسارت قانونی و خسارات ناشی از اعمال تأثیرگذار بر محیط زیست که ممکن است غیرقانونی یا تجاوز به حقوق قانونی باشد، خطاب قرار می‌دهد و امکان دسترسی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها را برای منافع قانونی شناخته شده آنها فراهم می‌کند (گوندلینک و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۱۷)؛ کنوانسیون‌های آسیا و هلسینکی در مورد آثار برون‌مرزی حوادث صنعتی؛ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل (ILC) در مورد استفاده از آبراهه‌های بین‌المللی برای مقاصد غیرکشتی‌رانی (گوندلینک و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۱۷)؛ کنوانسیون مسئولیت مدنی خسارات آلودگی نفتی مصوب ۱۹۶۹؛ کنوانسیون تأسیس صندوق بین‌المللی جبران خسارات آلودگی‌های نفتی مصوب ۱۹۷۱؛ قرارداد داوطلبانۀ صاحبان نفت‌کش‌ها برای مسئولیت خسارات نفتی (Tovall) ۱۹۶۹ و قرارداد مسئولیت نفت‌کش‌ها برای آلودگی‌های نفتی (Cristal) ۱۹۷۱ (تقی‌زاده انصاری و فائق‌راد، ۱۳۸۹: ۱۹-۱۸).

در نظام حقوقی ایران در قانون اساسی لزوم جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی مورد پذیرش قرار گرفته است. هرچند قانون اساسی ایران در این زمینه صراحت نداشته، اما اصل ۳۴ این قانون را که مقرر می‌دارد: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به‌منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد» می‌توان در پرتو تفسیر پویا قابل‌تعمیم به حق دسترسی به دادرسی زیست‌محیطی و جبران خسارات وارده دانست (مشهدی، ۱۳۹۳: ۵۷۲). علاوه بر این، سند ملی محیط زیست اشاره‌ای به جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی داشته است.^۱ در سطحی تقنینی نیز در این زمینه دو نوع مقررات عمومی و اختصاصی به چشم می‌خورد؛

۱. در نظام حقوقی فرانسه، تا پیش از سال ۲۰۰۵ جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی در سطح فراقنینی به رسمیت شناخته نشده بود. اما این مهم با تصویب منشور اساسی محیط زیست مصوب ۲۰۰۵ مورد توجه قرار گرفت. مادۀ ۴ این منشور مقرر می‌دارد: «هر شخصی باید در چارچوب مقرر در قانون نسبت به جبران خساراتی که بر محیط زیست وارد می‌نماید اقدام نماید». در پرتو این اقدام، در سطح تقنینی قانون مربوط به جبران خسارات زیست‌محیطی در فرانسه که حکایت از تدوین رژیم حقوقی ویژه برای خسارات زیست‌محیطی دارد به تصویب رسیده است (مشهدی، ۱۳۹۲: ۲۶۷).

نخست در مقررات عمومی می‌توان به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ اشاره کرد که بیان می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانون عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که مقررات عامی را در مورد تمامی بزه‌دیدگان وضع کرده، دومین مورد است که براساس ماده ۱۴ این قانون: «شاکي می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند». همچنین ماده ۲۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص تکلیف بزهکار به جبران خسارت مقرر می‌دارد: «مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است، اگر موجود باشد عین آن را و اگر موجود نباشد مثل آن را و در صورت عدم امکان رد مثل، قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارات وارده نیز برآید...».

دوم مقررات خاص محیط زیستی از جمله تبصره ۱ ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا که مقرر می‌دارد: «صاحبان و مسئولان کارخانجات و کارگاه‌های آلوده‌کننده... مکلف به پرداخت ضرر و زیان وارده به محیط زیست و اشخاص حقیقی و حقوقی به حکم دادگاه صالحه می‌باشند». همچنین می‌توان ماده ۴ «قانون اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها» مصوب سال ۱۳۸۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام را مصداقی دیگر از توجه نظام حقوقی ایران به جبران خسارت جرائم محیط زیستی دانست که مقرر می‌دارد: «هر کس درختان موضوع ماده (۱) قانون گسترش فضای سبز را عمداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آنها را فراهم آورد، علاوه بر جبران خسارت وارده، حسب مورد به جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال برای هر درخت، و در صورتی که قطع درخت بیش از سی اصله باشد، به حبس تعزیری از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد»^۱.

ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ نیز این امکان را برای اشخاص حقیقی و حقوقی فراهم آورده است که از «تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها» و همچنین «تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور در امور راجع به وظایف آنها» شکایت کنند و از

۱. به نظر می‌رسد این ماده ناسخ ماده ۶۸۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ که در راستای حفاظت از درختان فضای سبز است، می‌باشد. این ماده بیان می‌دارد: «هر کس درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز را عمداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آنها را فراهم آورد علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد».

این جهت ممکن است شکایت این اشخاص نسبت به جرائم زیست‌محیطی این واحدهای دولتی یا عمومی غیردولتی باشد.

۳. ماهیت جبران خسارت در حقوق بین‌الملل و نظام حقوقی ایران

پرسش اساسی که پیش می‌آید آن است که ماهیت جبران خسارت‌های جرائم زیست‌محیطی چیست؟. برای پاسخ به این پرسش باید میان ماهیت و اثر آن تفکیک قائل شد. منظور از ماهیت آن است که زمانی که جرم زیست‌محیطی به‌وقوع پیوست، به چه نحو باید آن را جبران کرد و منظور از اثر ماهیت آن است که آسیب‌هایی که در پس جرائم زیست‌محیطی به‌بار می‌آیند، بر دارایی‌های اشخاص تعلق می‌گیرند یا بر منافع عمومی و مشترک؟.

در اسناد بین‌المللی، به‌خصوص در حقوق بین‌الملل محیط زیست جبران خسارات ناشی از جرائم زیست‌محیطی ماهیتی ترمیمی دارد. توضیح آنکه زمانی که آسیبی به محیط زیست وارد می‌شود، باید درصدد جبران آن برآمد تا وضعیت، همسان ماقبل آسیب شود. بدین‌سان هدف اصلی حقوق بین‌الملل محیط زیست از جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی، بازگشت محیط زیست به حالت طبیعی خود است. اما مسئله مهم، در مورد جبران‌ناپذیر بودن برخی خسارات وارده بر محیط زیست همچون از بین بردن گونه‌های نادر گیاهی و جانوری است که به‌نحوی اعاده وضعیت به حالت سابق را غیرممکن می‌سازد (دبیری و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۰). به همین سبب در چنین مواردی ابزارهای دیگری چون پرداخت ضرر و زیان جایگزین حالت نخست می‌شوند. با نگاهی به حقوق بین‌الملل و نظام حقوقی ایران نمایان می‌شود که هدف اصلی جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی بر بازگشت وضع به حالت سابق بنا نهاده شده است و راهکارهای دیگر در صورتی اعمال می‌شوند که اعاده وضع به گذشته امکان‌پذیر نباشند.

اما اثر این جبران خسارت بر حقوق خصوصی است یا حقوق عمومی؟. تفکیک اثر ماهیت به حقوق خصوصی و عمومی از دو نظر حائز اهمیت خواهد بود؛ نخست آنکه اگر این جرائم را آسیب‌زننده به دارایی اشخاص در نظر بگیریم، مبنای مسئولیت «تقصیر» خواهد بود، اما چنانچه منافع مشترک جمعی را در نظر بگیریم، مبنای مسئولیت «محض» خواهد بود (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷: ۲۸۸). دومین اثر بر قانون حاکم در نظام حقوقی ایران خواهد بود؛ زیرا اگر مبنای مسئولیت را محض بدانیم و بخواهیم در پرتو حقوق عمومی به جبران خسارات ناشی از جرائم زیست‌محیطی اهتمام ورزیم، قانون مسئولیت مدنی ایران کارا نخواهند بود. این است که برخی حقوقدانان اعتقاد دارند که مفهوم «بدون مجوز قانونی» در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ایران مصوب ۱۳۳۹ منحصراً ناظر به حقوق خصوصی افراد است و حقوق عمومی را حمایت نمی‌کند (امیری قائم‌مقامی، ۱۳۷۸: ۱۱۸).

در این خصوص می‌توان دو نظر را مطرح کرد؛ نخست آنکه با توجه به اینکه حق بر محیط

زیست سالم در سطح اساسی در نظام حقوقی ایران (اصل ۵۰ قانون اساسی) مورد پذیرش قرار گرفته است (مشهدی، ۱۳۹۳: ۵۶۴-۵۶۱)، می‌توان گفت که خسارات ناشی از جرائم زیست‌محیطی به استناد ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی که مقرر می‌دارد: «... یا هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده...» قابل مطالبه است. با وجود این چون مبنای مسئولیت در قانون مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر است، لذا با مبانی پذیرفته‌شده در این زمینه و با اصول کلی حمایت از محیط زیست در سطح جهانی (پذیرش مسئولیت محض) مغایر به نظر می‌رسد (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷: ۲۸۹). بنابراین براساس نظر دوم باید میان جرائم زیست‌محیطی که آسیبی به دارایی اشخاص می‌زند و جرائمی که علیه منافع عمومی است، تفکیک قائل شد. توضیح آنکه چنانچه برای مثال جرمی علیه حیوان متعلق به دیگری ارتکاب یابد، شخص زیان‌دیده می‌تواند بر مبنای قانون مسئولیت مدنی خواهان مطالبه ضرر و زیان خویش شود. اما چنانچه جرائم زیست‌محیطی همچون جنگل‌زدایی یا از بین بردن تنوع زیستی علیه منافع مشترک و جمعی باشد، دیگر نمی‌توان براساس قانون مسئولیت مدنی خواستار جبران خسارت بود و باید براساس مقررات زیست‌محیطی این مطالبه خواسته شود. اما باید دید در حقوق محیط زیست چه راهکارهایی برای جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی در نظر گرفته شده‌اند.

راهکارهای جبران خسارات جرائم محیط زیستی

جبران خسارت زیان‌دیده ممکن است به دو صورت برگرداندن وضع او به صورت پیشین خود و یا دادن معادل صورت گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۵۹). از این‌رو اصل بر اعاده وضع به حالت سابق است و معادل زمانی صورت می‌گیرد که نتوان وضع را به حالت پیشین بازگرداند. بدین‌سان راهکارهای جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی را می‌توان به «اعاده وضع به حالت سابق»، «جبران ضرر و زیان» و «صندوق ملی - بین‌المللی زیست‌محیطی» تقسیم کرد که دو مورد نخست تکلیف بزهار و مورد سوم تکلیف دولت است.

۱. اعاده وضع به حالت سابق

بهترین و کامل‌ترین طریق جبران خسارات وارده بر محیط زیست اعاده وضع به حالت سابق است (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸: ۲۱۰-۲۰۹). اعاده وضع به حالت سابق راهکاری است که در اسناد مهم بین‌المللی به آن تأکید شده است. بند ۸ ماده ۲ کنوانسیون لوگانو مصوب ۱۹۹۳ در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از خسارت‌هایی که از فعالیت‌های خطرناک به محیط زیست وارد می‌شود، در تعریف اعاده وضع به حالت سابق مقرر می‌دارد: «هر گونه تدابیر متعارف و

معقول با هدف اعاده یا بازگرداندن اجزای صدمه‌دیده یا تخریب‌شده محیط زیست یا (در صورت معقول بودن) ایجاد معادل اجزای مذکور محیط زیست)». بنابراین اعاده وضع به حالت سابق از طریق «ترمیم»، «احیا»، «پاکسازی» و اقداماتی از این قبیل صورت می‌گیرد (بهرامی احمدی و علی‌خانی، ۱۳۹۲: ۹۴).

با وجود این اعاده وضع به حالت سابق در برخی مواقع با چالش روبه‌رو می‌شود و امکان بهره‌گیری از آن وجود ندارد. برای مثال از بین بردن گونه‌های نادر گیاهی و جانوری رفتاری است که سبب زوال آنها می‌شود و به‌هیچ‌وجه امکان آن وجود ندارد این گونه‌ها بازگردند. نکته دیگر آنکه اعاده وضع به حالت سابق تنها به احیای پس از جرم مربوط نمی‌شود و گام نخست آن از بین بردن منبع ضرر است (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۶۲). بنابراین زمانی که کارخانه‌ای مبادرت به آلودگی هوا می‌کند، ابتدا باید تولید آلودگی خود را متوقف سازد و سپس به احیای محیط مبادرت ورزد.

بند ۱۰ اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت مصوب ۱۹۸۵ تأکیدی دیگر بر استفاده از راهکار اعاده وضع به حالت سابق است. در این بند آمده است: «در پرونده‌هایی که به آسیب اساسی به محیط زیست مربوط است، هر گاه چنین آسیبی به نابسامانی و اخلال در یک منطقه بینجامد، جبران خسارت - اگر دستور داده شود - باید تا اندازه امکان، دربرگیرنده بازسازی محیط زیست، نوسازی تأسیسات زیر بنایی، جابه‌جایی و نقل مکان تأسیسات منطقه‌ای و پرداخت هزینه‌های جابه‌جایی باشد».

اصول حفاظت از جنگل‌ها مصوب ۱۹۹۲ (ریو) نیز در بند «ب» اصل ۸ اشعار می‌دارد: «اتخاذ اقداماتی که از لحاظ اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی مناسب باشد و از طریق بازسازی، جنگل‌کاری و درخت‌کاری مجدد روی زمین‌هایی که چندان بارور نیستند و یا در نواحی که جنگل‌ها تخریب شده یا از بین رفته‌اند و نیز از طریق مدیریت منابع جنگلی موجود، باید برای حفظ و افزایش پوشش جنگلی زمین و افزایش باروری جنگل‌ها کوشش شود».

اعاده وضع به حالت سابق در نظام حقوقی ایران در قالب کاهش آلودگی‌ها در بند «ج» ماده ۱۱۰۴ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد پذیرش واقع شده است. همچنین این راهکار از رهگذر «خدمات عمومی رایگان» که یکی از کیفی‌های جایگزین حبس

۱. به‌منظور کاهش عوامل آلوده‌کننده محیط زیست، بالاخص در مورد منابع طبیعی و منابع آب کشور، واحدهای تولیدی موظف‌اند برای تطبیق مشخصات فنی خود با ضوابط محیط زیست و کاهش آلودگی‌ها اقدام کنند. هزینه‌های انجام‌گرفته در این مورد به‌عنوان هزینه‌های قابل قبول واحدها منظور می‌شود. از واحدهایی که از انجام این امر خودداری نمایند و فعالیت‌های آنها موجب آلودگی و تخریب محیط زیست گردد، جریمه متناسب با خسارت وارده اخذ و به درآمد عمومی واریز می‌گردد تا در قالب لوایح بودجه سنواتی برای اجرای طرح‌های سالم‌سازی محیط زیست هزینه شود.

مقرر در ماده ۱۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد، امری شدنی است. خدمات عمومی رایگان مطابق ماده ۸۴ این قانون «خدمات‌هایی است که با رضایت محکوم برای مدت معین اعمال می‌شوند». براساس ماده ۲ آیین‌نامه اجرای خدمات عمومی رایگان مصوب سال ۱۳۹۳ حفاظت و نگهداری از فضاهای سبز و بوستان‌های شهری و باغبانی در اماکن مزبور، جنگلداری و مرتعداری از جمله درختکاری و باغبانی در زمره انواع خدمات عمومی رایگان قرار گرفته‌اند. یکی از دستگاه‌های پذیرنده محکومان به این نوع خدمات براساس ماده ۴ این آیین‌نامه، سازمان حفاظت محیط زیست است که در کنار شهرداری‌ها می‌تواند نقش مهمی را در راستای جبران خسارت از محیط زیست ایفا کند.

پرداخت ضرر و زیان

اصل «پرداخت توسط آلوده‌ساز» نخستین بار توسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه به منظور بازداشتن مقامات عمومی ملی از اعطای سوبسید به شرکت‌های خصوصی برای تأمین هزینه‌های کنترل آلودگی ناشی از فعالیتشان اعلام شد (شیلتون و کیس، ۱۳۸۹: ۷۷). این اصل که به موجب آن آلوده‌ساز مکلف به جبران زیان‌های وارده بر محیط زیست است، در اسناد بین‌المللی محیط زیستی مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله مهم‌ترین آنها اصل ۱۶ اعلامیه ریو است که مقرر می‌دارد: «مقامات هر کشور باید تلاش کنند تا هزینه‌های سالم‌سازی محیط زیست را با استفاده از ابزارهای اقتصادی مقدم شمارند و با توجه به این نکته که آلوده‌کننده محیط زیست باید در حقیقت هزینه‌های رفع آلودگی را تقبل کند، این مهم را با توجه به منافع عمومی بی‌آنکه به تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری آسیب وارد آید، به انجام رسانند».

علاوه بر این کنوانسیون در خصوص محیط زیست دریایی منطقه جنوب شرقی اقیانوس آرام (ماده ۱۱)، کنوانسیون مسئولیت هسته‌ای (ماده ۳)، کنوانسیون مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی نفتی (ماده ۳) به مسئولیت مدنی آلوده‌ساز توجه داشته‌اند. همچنین ماده ۱۷۴ پیمان اتحادیه اروپا که به آن اشاره شده، اصل بنیادین در مسئولیت مدنی خسارات زیست‌محیطی، چه در عرصه بین‌المللی و چه در قوانین خصوصی بسیاری از کشورهاست (موسوی و طباطبایی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۴۶۳) که براساس این اصل آلوده‌کننده باید ضرر و زیان وارده به محیط زیست را بپردازد.

۱. ماده ۶۴ مقرر می‌دارد: «مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکي و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود».

در نظام حقوقی ایران، مطالبه ضرر و زیان در اسناد بالادستی همچون بند «ج» ماده ۱۰۴ قانون برنامه سوم توسعه مورد اشاره قرار گرفته است. این بند مقرر می‌دارد: «از واحدهایی که... فعالیت‌های آنها باعث آلودگی و تخریب محیط زیست گردد، جریمه متناسب با خسارت وارده اخذ و به درآمد عمومی واریز می‌گردد تا... برای اجرای طرح‌های سالم‌سازی محیط زیست هزینه شود».

ماده ۱۸ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ نیز بیان می‌دارد: «در مورد جرائم مذکور در این قانون سازمان از حیث مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم برحسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی شناخته می‌شود».

بند «الف» ماده ۱۷ لایحه پیشنهادی برنامه ششم توسعه (لایحه پیشنهادی سازمان حفاظت محیط زیست) مقرر می‌داشت: «از واحدهایی که فعالیت‌های آنها باعث آلودگی و تخریب محیط زیست گردد جریمه متناسب با خسارت وارده اخذ و به صندوق محیط زیست واریز می‌گردد تا برای حمایت از کاهش آلودگی واحدها و طرح‌های حفاظت کیفی منابع آب هزینه شود». اما این اصل مهم در متن نهایی قانون برنامه ششم گنجانده نشد. همچنین ماده ۵۹ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ از اخذ خسارت (پرداخت ضرر و زیان) سخن به میان آورده است.

صندوق ملی - بین‌المللی محیط زیست

زمانی که نتوان از رهگذر راهکارهای پیش‌گفته خسارات وارده بر محیط زیست را جبران کرد، لازم است دولت در پرتو پرداخت غرامت وارد عمل شود و از این طریق جبران خسارات این جرائم را به دوش بکشد. بنابراین غرامت ناشی از این راهکار نخست باید به محیط زیست طبیعی تعلق گیرد و درصدد اعاده وضع به حالت سابق برآید و دوم به بزه‌دیدگان انسانی جرائم زیست‌محیطی نظر داشته باشد، هرچند در این خصوص تشخیص میزان خسارت وارده بر بزه‌دیدگان انسانی و کثرت آنها چالش‌های مهمی را در جبران خسارت آنها به بار می‌آورد.

با این حال اسناد بین‌المللی بر وجود این صندوق تأکید داشته‌اند. مشخص‌ترین سند در این زمینه بند ۱۳ اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت است که در پرتو پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان مقرر می‌دارد: «ایجاد، تقویت و گسترش صندوق‌های ملی برای پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان، باید تشویق شود. هر کجا که مناسب باشد، صندوق‌های دیگری را نیز می‌توان به این منظور ایجاد کرد؛ از جمله در پرونده‌هایی که دولت متبوع بزه‌دیده در وضعی نباشد که برای آسیب وارد شده به بزه‌دیده غرامت بپردازد».

براساس کنوانسیون تأسیس صندوق بین‌المللی جبران خسارات آلودگی‌های نفتی مصوب

۱۹۷۱ در صورتی که مالک کشتی طبق کنوانسیون مسئولیت مدنی مسئول شناخته نشود یا چنانچه با وجود مسئولیت قادر به جبران خسارات آلودگی نباشد، صندوق جبران خسارت که در چارچوب این کنوانسیون ایجاد شده خسارت وارده را می‌پردازد. بنابراین در گام اول اصل بر وجود صندوق ملی زیست‌محیطی است، اما چنانچه این صندوق به هر دلیل در عرصه ملی تشکیل نشود یا توان پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان را نداشته باشد، در گام دوم نوبت به صندوق بین‌المللی زیست‌محیطی می‌رسد که وظیفه جبران خسارات ناشی از جرائم زیست‌محیطی را به‌عهده خواهد داشت.

صندوق ملی محیط زیست در نظام حقوقی ایران نخستین بار به موجب بند «ب» ماده ۶۸ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۸۳ به‌منظور تقلیل آلاینده‌های وارد به محیط زیست و تخریب آن تأسیس شد. این صندوق همچنین در برنامه پنجم توسعه تأیید شد. در پرتو تکلیف مقرر در برنامه چهارم، اساسنامه صندوق ملی محیط زیست در سال ۱۳۸۴ به تصویب هیأت وزیران رسید. در ماده ۱ این اساسنامه آمده است: «در جهت کمک به تقلیل آلاینده‌های زیست‌محیطی و جلوگیری از تخریب محیط زیست و حفظ و حمایت از محیط زیست صندوق ملی محیط زیست... تأسیس می‌شود». این صندوق که برای مدت نامحدود تشکیل می‌شود و حوزه فعالیت آن سراسر کشور است (مواد ۳ و ۴ اساسنامه)، به موجب ماده ۶ مهم‌ترین حدود عملیات صندوق عبارت‌اند از: اعطای تسهیلات مالی به کارخانجات، کارگاه‌ها و به‌طور کلی هر گونه منابع آلاینده در جهت کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی؛ اعطای تسهیلات مالی برای جلوگیری از تخریب محیط‌زیست از طریق حفظ، احیا و مدیریت تنوع زیستی (شامل زیستگاه، زیست‌بوم، گونه و ژن)؛ حمایت مالی و همکاری در طرح‌ها و پروژه‌های زیست‌محیطی و طرح‌های اکوتوریسم؛ حمایت مالی و همکاری در طرح‌های آموزشی و فرهنگ‌سازی جهت بهبود شرایط زیست‌محیطی؛ اعطای تسهیلات مالی به مخترعان و محققان محیط زیست در جهت گسترش و تکمیل تحقیقات برای تولید انبوه و استفاده عمومی از تجهیزات کنترل و کاهش آلودگی و بیمه کردن دام، باغات و محصولات کشاورزی در مقابل خسارت ناشی از جانوران وحشی حمایت‌شده و در معرض خطر.

هرچند در ماده ۱۱ لایحه پیشنهادی برنامه ششم توسعه (پیشنهاد سازمان حفاظت محیط زیست) بدین‌نحو آمده بود: «وزارت اقتصاد و دارایی مکلف است مالیات سبز و حسابداری سبز را به‌عنوان یکی از ارکان مالیاتی کشور در خصوص کالاها یا فرایندهای آلاینده و مخرب محیط زیست در کلیه فعالیت‌های اقتصادی وارد نماید. درآمد حاصل از این بند به صندوق ملی محیط زیست واریز می‌شود تا صرف رفع آلودگی و احیای محیط زیست شود»، اما در نهایت در متن نهایی قانون برنامه ششم توسعه گنجانده نشد.

اما چون به موجب بند «الف» ماده ۲ قانون برنامه ششم توسعه، محیط زیست از موضوعات

خاص راهبردی و مسائل محوری برنامه است، مقرراتی را در زمینه جبران خسارات زیست‌محیطی پیش‌بینی کرده که از جمله آن می‌توان به امکان‌سنجی، طراحی و ایجاد سامانه‌های دفع بهداشتی زباله‌های روستایی محدوده‌های روستاها و طراحی و اجرای طرح‌های (پروژه‌های) دفع بهداشتی فاضلاب در روستاها با اولویت روستاهای واقع در حریم رودخانه‌ها، تالاب‌ها، سدها و روستاهایی که به دلیل نفوذپذیری کم اراضی دفع فاضلاب در آنها دچار مشکل است (بندهای ۱ و ۲ شق «ب» ماده ۲۷)، احیای منابع آب زیرزمینی و مقابله با بحران کم‌آبی (ماده ۳۵)، اجرای برنامه عمل حفاظت، احیا، مدیریت و بهره‌برداری مناسب از تالاب‌های کشور با مشارکت سایر دستگاه‌های اجرایی و جوامع محلی به‌ویژه در ارتباط با تالاب‌های ثبت‌شده در کنوانسیون رامسر به‌طوری‌که تا پایان اجرای قانون برنامه، حداقل ۲۰ درصد تالاب‌های بحرانی و در معرض تهدید کشور احیا شوند و ضمن حفاظت و تثبیت، در روند بهبود قرار گیرند (بند «ب» ماده ۳۸)، احیا، توسعه و غنی‌سازی جنگل‌ها (بند «ح» ماده ۳۸)، احیای رویشگاه‌های مرتعی و توسعه و فراوری گیاهان دارویی (بند «ز» ماده ۳۸)، افزایش حقایق به رودخانه‌های مشترک و مرزی مانند هیرمند و تأمین حقایق زیست‌محیطی آنها (بند «ض» ماده ۳۸) و ارائه برنامه جامع مقابله با ریزگردها حداکثر تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه ششم و اجرای عملی و مؤثر آن از سال دوم اجرای این قانون (بند «س» ماده ۳۸).

با این حال تکلیف دولت به اعاده وضع به حالت سابق در قوانین گذشته نیز مورد تصریح قرار گرفته است. از جمله بند «د» ماده ۱۰۴ قانون برنامه سوم توسعه مقرر می‌دارد: «دولت مکلف است در طول برنامه سوم نسبت به کاهش میزان آلودگی هوای شهرهای تهران، مشهد، تبریز، اهواز، اراک، شیراز و اصفهان در حد استانداردهای سازمان بهداشت جهانی اقدام نماید». ماده ۶۸ قانون برنامه چهارم توسعه نیز اشعار می‌دارد: «دولت موظف است طرح حفاظت، احیاء، بازسازی ذخایر و رفع آلودگی و شیوه‌های بهره‌برداری پایدار از محیط‌های دریایی کشور... را تهیه و به مرحله اجرا گذارد».

اما آنچه سبب کاستی در کارایی و پویایی این صندوق در جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی می‌شود، اختصاص آن به شق نخست راهکار، یعنی اعاده وضع به حالت سابق است و در آن هیچ اشاره‌ای به پرداخت ضرر و زیان بزه‌دیدگان انسانی نشده است. با این حال، وجود صندوق بسیار مفید و لازم است، زیرا می‌توان از طریق آن بخشی از اکوسیستم تخریب‌شده را به حالت سابق برگرداند. یکی از اقدامات اخیر این صندوق را می‌توان در طرح حمایت از روستاییان میزبان گاندو (تمساح مردابی) در استان سیستان و بلوچستان در تیرماه ۱۳۹۵ نظاره‌گر بود.

در حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز این صندوق پیش‌بینی شده است که در صورت ناتوانی دولت‌ها برای اعاده وضع به حالت سابق به یاری محیط زیست تخریب‌شده شتافته و

درصد ترمیم آن بر خواهد آمد. مطابق ماده ۱۵ کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی^۱ و طبیعی^۲ جهان مصوب ۱۹۷۲ (یونسکو)^۳: «به موجب این کنوانسیون صندوقی برای حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان که دارای اهمیت استثنایی هستند به نام صندوق میراث جهانی تأسیس می‌شود». بر طبق بند ۴ ماده ۱۵، وجوه پرداختی به صندوق و سایر اشکال کمک، فقط در مقاصدی که به وسیله کمیته تعیین می‌شود صرف می‌گردد که یکی از این مقاصد تخریب منابع طبیعی است.

مطابق ماده ۱۵ کنوانسیون مزبور، این صندوق براساس مقررات آیین‌نامه مالی سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد از وجوه سپرده‌شده، تشکیل می‌شود. منابع صندوق عبارت خواهد بود از: الف) سهمیه‌های اجباری و سهمیه‌های داوطلبانه دولت‌های متعاقد کنوانسیون حاضر، ب) وجوه پرداختی، عطایا و هبه‌های سایر دولت‌ها، سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد و دیگر سازمان‌های ملل متحد، به‌ویژه برنامه توسعه ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌الدول، دستگاه‌های عمومی یا خصوصی یا اشخاص، ج) هر گونه بهره‌ای که به منابع صندوق تعلق گیرد، د) حاصل وجوه جمع‌آوری شده و درآمدهایی که از نمایش‌ها به نفع صندوق ترتیب می‌یابد، ه) کلیه منابع دیگر که تحصیل آن، به موجب آیین‌نامه‌ای که کمیته میراث جهانی تنظیم خواهد کرد، مجاز است.

با توجه به اینکه به موجب ماده ۵ این کنوانسیون یکی از وظایف دولت‌های متعاقد اتخاذ تدابیر قضایی، علمی، فنی، اداری و مالی کافی برای تشخیص، حمایت، حفاظت، شناساندن و احیای این میراث در قلمرو خود است و به موجب ماده ۱۵ مقاصد کمک به میراث فرهنگی و

۱. به موجب ماده ۱ کنوانسیون: «به لحاظ کنوانسیون حاضر آنچه ذیلاً ذکر می‌گردد میراث فرهنگی به‌شمار می‌رود: آثار: آثار معماری، مجسمه‌سازی یا نقاشی در بناها، عوامل و بناهایی که جنبه باستانی دارند، کتیبه‌ها، غارها و مجموع عواملی که از نظر تاریخی، هنری و علمی دارای ارزش جهانی استثنایی هستند. مجموعه‌ها: مجموعه بناهای مجزا یا مجتمع که از نظر معماری، منحصر به فرد بودن، یا بستگی و موقعیت آن‌ها در یک منظره طبیعی، به لحاظ تاریخی، هنری و علمی دارای ارزش جهانی استثنایی هستند. محوطه‌ها: آثار انسان یا آثاری که توأم با وسیله انسان و طبیعت ایجاد شده است و نیز مناطق شامل محوطه‌های باستانی که به لحاظ تاریخی، زیبایی‌شناسی، نژادشناسی یا مردم‌شناسی دارای ارزش جهانی استثنایی هستند».

۲. به موجب ماده ۲ کنوانسیون: «به لحاظ کنوانسیون حاضر آنچه ذیلاً ذکر می‌گردد میراث طبیعی به‌شمار می‌رود: آثار طبیعی متشکل از ترکیبات فیزیکی و زیست‌شناسی یا مجموعه‌یی از این نوع ترکیبات که از نظر زیبایی‌شناسی یا علمی حائز ارزش جهانی استثنایی هستند، ترکیبات ارضی و جغرافیایی طبیعی و مناطق کاملاً مشخص که زیستگاه حیوانات و منطقه رشد گیاهان مورد تهدید بوده، از نظر علمی و حفاظت حائز ارزش جهانی استثنایی هستند، محوطه طبیعی که دقیقاً مشخص شده و به لحاظ علمی، حفاظت یا زیبایی طبیعی دارای ارزش جهانی استثنایی هستند».

3. Convention pour la protection du Patrimoine mondial culturel et naturel, adoptée à la Conférence générale de l'UNESCO en 1972.

طبیعی کشورها از منابع صندوق توسط کمیته تعیین می‌شود، به موجب ماده ۸ کمیته‌ای با عنوان کمیته میراث جهانی تشکیل شده که وظیفه مزبور را داراست. مطابق این ماده «برای حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان که دارای ارزش استثنایی جهانی هستند، یک کمیته بین‌الدول به نام کمیته میراث جهانی در سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد، تأسیس می‌گردد. این کمیته مرکب از پانزده دولت عضو این کنوانسیون خواهد بود که به‌وسیله دولت‌های عضو کنوانسیون در یک جلسه عمومی که طی اجلاس‌های عادی کنفرانس عمومی سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد، تشکیل می‌گردد، انتخاب خواهند شد».

به موجب ماده ۱۳: «کمیته میراث جهانی، درخواست‌های کمک‌های بین‌المللی را که به‌وسیله دولت‌های متعهد کنوانسیون حاضر درباره قسمتی از میراث فرهنگی و طبیعی واقع در قلمرو آنها تنظیم شده دریافت داشته و مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف این تقاضاها ممکن است حمایت، حفاظت، شناساندن یا احیای این اموال باشد. کمیته درباره ترتیب اثر دادن به این تقاضاها تصمیم می‌گیرد و در صورت اقتضاء، نوع و میزان کمک خود را تعیین می‌کند و از جانب خویش ترتیبات لازم را با دولت ذینفع می‌دهد. کمیته، ترتیب اولویت عملیات خود را مشخص می‌کند و در این امر اهمیت نسبی نجات قسمتی از میراث فرهنگی و طبیعی جهان، لزوم تأمین مساعدت بین‌المللی نسبت به اموال فرهنگی که مظهر کامل‌تر طبیعت یا نبوغ و تاریخ ملل جهان است. فوریت اقداماتی که باید انجام گیرد، اهمیت منابع کشورها که در قلمرو آنها اموال مورد تهدید قرار دارند و به‌ویژه حدودی را که این کشورها می‌توانند نجات این اموال را با وسایل خاص خود تأمین کنند، در نظر می‌گیرد».

نتیجه‌گیری

جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی چالش‌های فراوانی در سه ضلع مثلث بزه، بزه‌کار و بزه‌دیده زیست‌محیطی پیش روی خود می‌بیند و از این نظر با جبران خسارات جرائم متعارف متفاوت است. آسیب زیست‌محیطی هرچند در نگاه منتقدان نظام عدالت کیفری و جرم‌شناسان سبز بزه محسوب می‌شود، اما گاه در قوانین کیفری جرم‌انگاری نشده است. از سوی دیگر، بزه‌کار زیست‌محیطی گاه خود دولت است و گاه گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته که در پس لابی‌های قدرت مسئول شناخته نمی‌شوند و گاه نیز چون آسیب‌های زیست‌محیطی مانند آلودگی هوا ناشی از فعالیتی مشترک است مسئول آن شناخته نمی‌شود. در نهایت بزه‌دیدگان زیست‌محیطی نیز به سبب کثرت و تعددشان گاه به‌عنوان بزه‌دیده شناخته نمی‌شوند، به همین سبب جبران خسارات زیست‌محیطی موانع متعددی را در پیش خود مشاهده می‌کند. با وجود این مقرراتی در دو سطح بین‌المللی و داخلی وجود دارد که در پرتو آنها می‌توان به جبران

خسارات زیست محیطی همت گمارد. در واقع هم حقوق بین الملل و هم نظام حقوقی ایران جبران خسارات زیست محیطی را به رسمیت شناخته است. با توجه به اینکه این جبران در این دو نظام از ماهیتی ترمیمی برخوردار است، در وهله اول نگاهی احیاگرایانه دارد، از این رو در صد است تا محیط زیست آسیب دیده به وضع پیش از جرم بازگردد. به همین علت نخستین راهکار موجود در حقوق بین الملل و نظام حقوقی ایران اعاده وضع به حالت سابق است. اما چنانچه این هدف میسر نشد، نوبت به جبران ضرر و زیان وارده می رسد که مبتنی بر اصل مهمی تحت عنوان آلوده ساز باید پردازد می باشد. اما این دو راهکار ماهیتی بزهکارمدار دارند، بدین سان چنانچه از رهگذر بزهکار نتوان خسارات زیست محیطی را جبران کرد، نوبت به تکلیف دولت احیاگر در پرتو راهکار صندوق زیست محیطی می رسد. این صندوق خود ماهیتی دوگانه دارد، زیرا از یک سو مکلف است جبران خسارات زیست محیطی وارد بر اشخاص را جبران کند و از دیگر سو به ترمیم و احیای محیط زیست و اکوسیستم آسیب دیده اقدام نماید، هر چند شق نخست این جبران هنوز در نظام حقوق بین المللی و نظام حقوقی ایران به رسمیت شناخته نشده است. با وجود این هر چند سه راهکار پیش گفته هم در نظام بین المللی و هم در نظام حقوقی ایران پذیرفته شده اند اما لازم است که هم در حقوق بین الملل و هم در نظام حقوقی ایران، جبران خسارات جرائم زیست محیطی تابع رژیم افتراقی شود، زیرا از یک سو در حقوق بین الملل مقررات پراکنده ای به این مسئله اختصاص داده شده و لازم است که از انسجام بیشتری برخوردار شوند و از دیگر سو، به سبب ابتدای مسئولیت مدنی نظام حقوقی ایران بر نظریه تقصیر، لازم است که به سوی نظریه مسئولیت محض گام برداشته شود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتابها

۱. امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۸). حقوق تعهدات، چ اول، تهران: میزان.
۲. پرادل، ژان (۱۳۹۴). حقوق کیفری تطبیقی، ترجمه امین جعفری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۳. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰ الف). بزه دیده شناسی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۴. ----- (۱۳۹۰ ب). بزه دیده شناسی حمایتی، چ دوم، تهران: دادگستر.
۵. شیلتون، دینا؛ کیس، الکساندر (۱۳۸۹). کتابچه قضایی حقوق محیط زیست، ترجمه محسن عبدالهی، چ اول، تهران: خرسندی.

۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). *وقایع حقوقی*، چ دوم، تهران: انتشارات شرکت سهامی.
۷. گرجی فرد، حمیدرضا (۱۳۹۵). *جرم‌شناسی سبز*، چ اول، تهران: میزان.
۸. گوندلینک، لوتار؛ هویسمان، جی دلبیو؛ هلیپ، ای‌ای؛ شلتون، دینا (۱۳۸۹). *حقوق محیط زیست*، ترجمه محمدحسن حبیبی، چ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. مشهدی، علی (۱۳۹۲). *حق بر محیط زیست سالم (الگوی ایرانی - فرانسوی)*، چ اول، تهران: میزان.
۱۰. وایت، راب (۱۳۹۴). *جرائم زیست‌محیطی فراملی به‌سوی جرم‌شناسی جهان بوم*، ترجمه حمیدرضا دانش‌ناری، چ اول، تهران: میزان.

ب) مقالات

۱۱. بهرامی احمدی، حمید؛ علی‌خانی، اعظم (۱۳۹۲). «تأملی بر جنبه‌های کاربردی دعاوی مسئولیت مدنی علیه دولت در قبال خسارت‌های زیست‌محیطی»، *دانش حقوق عمومی*، سال دوم، ش ۵، ص ۸۳-۱۰۱.
۱۲. تقی‌زاده انصاری، مصطفی؛ فائق‌راد، مونا (۱۳۸۹). «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حفاظت از محیط زیست»، *کانون وکلای دادگستری گیلان*، سال دوم، ش ۴، ص ۲۸-۱۰.
۱۳. حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۵). «از جبران خسارت بزه‌دیده توسط بزهکار تا جبران خسارت توسط دولت»، *فقه و حقوق*، سال سوم، ش ۹، ص ۹۵-۱۲۱.
۱۴. دانش‌ناری، حمیدرضا (۱۳۹۲). «رویکردی انتقادی به جرائم زیست‌محیطی فرامرزی»، *مطالعات بین‌المللی پلیس*، دوره ۴، ش ۱۵، ص ۸۳-۱۰۱.
۱۵. دبیری، فرهاد؛ پوره‌اشمی، سید عباس؛ موسوی، مریم‌السادات (۱۳۸۹). «بررسی جبران خسارات وارده بر محیط زیست ناشی از آلودگی‌های فرامرزی و تخریب بین‌المللی محیط زیست»، *انسان و محیط زیست*، دوره ۸، ش ۱۲، ص ۴۳-۵۰.
۱۶. زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۱). «توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست»، *پژوهش‌های حقوقی*، ش ۱، ص ۲۷-۵۸.
۱۷. عباچی، مریم (۱۳۹۲). «جرم‌شناسی سبز»، *دایرة‌المعارف علوم جنایی*، کتاب دوم، چ اول، تهران: میزان.
۱۸. فرجیها، محمد؛ بازاریار، ابوالقاسم (۱۳۹۰). «جبران دولتی خسارت‌های بزه‌دیدگان در حقوق کیفری ایران و انگلستان»، *حقوق تطبیقی*، دوره ۲، ش ۲، ص ۱۵۲-۱۳۳.
۱۹. فهیمی، عزیزالله؛ مشهدی، علی (۱۳۸۸). «ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست (از رویکردهای فلسفی تا راهبردهای حقوقی)»، *پژوهش‌های فلسفی و کلامی*، سال یازدهم، ش ۱، ص ۱۹۵-۲۱۶.

۲۰. کاتوزیان، ناصر؛ انصاری، مهدی (۱۳۸۷). «مسئولیت‌های ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی»، *فصلنامه حقوق*، دوره ۳۸، ش ۲، ص ۲۸۵-۳۱۳.
۲۱. مشهدی، علی (۱۳۹۳). «اساسی‌سازی ماهوی حق بر محیط زیست در حقوق ایران و فرانسه»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۵، ش ۲، ص ۵۵۹-۵۸۰.
۲۲. موسوی، سید فضل‌الله؛ طباطبایی‌نژاد، سید محمد (۱۳۹۳). «قانون حاکم بر مسئولیت مدنی ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی»، *مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۴، ش ۳، ص ۴۶۱-۴۷۵.
۲۳. موسوی، سید فضل‌الله؛ قیاسیان، فهیمه (۱۳۹۰). «جبران خسارات زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه حقوق*، دوره ۴۱، ش ۱، ص ۳۲۷-۳۴۶.

۲. لاتین (انگلیسی و فرانسه)

A) books

24. Aboua, Soumaïla (2010). *La réparation du dommage environnemental causé par la pollution par des déchets industriels en droit international de l'environnement*, Mémoire, Université de Limoges.
25. White, rob (2008). *Crime against nature: Environmental Criminology and Ecological justice*, William publishing, London.

B) Articles

26. Gray, Mark Allan. (1995). "The International Crime of Ecocide", *California Western International Law Journal*, Vol. 26, No. 2, Art. 3.
27. Halley, Paule; Gagnon-Rocque, Ariane. (2009), "La sanction en droit pénal canadien de l'environnement: la loi et son application", *Les Cahiers de droit*, Volume 50, numéro 3-4, septembre-décembre 2009, pp. 455-1047.
28. Jaworski, Véronique (2015). "L'état du droit pénal de l'environnement français: entre forces et faiblesses", *Les Cahiers de droit*. Volume 50, numéro 3-4, septembre-décembre 2009, pp. 455-1047.
29. Jeanneaux Philippe; Clovis Sabau. (2009). "Conflits environnementaux et décisions juridictionnelles : que nous apprend l'analyse du contentieux judiciaire dans un département français", *Vertigo, La revue électronique en science de l'environnement*, Volume 9, Numéro 1.
30. Kauzlarich, david. Matthews, Rick a. Miller, william j (2001), "Toward a Victimology of State Crime", *Critical Criminology*, 10.
31. Steinmetz, Benoit. (2008). "Préjudice écologique et réparation des atteintes à l'environnement. Plaidoyer pour une catégorie nouvelle de préjudice", *Revue Européenne de Droit de l'Environnement*, Volume 12 Issue 4 pp. 407-419.

C) Documents

32. European Convention on the Compensation of Victims of Violent Crimes, Strasbourg, 24. XI. 1983.
33. Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power; A/RES/40/34, 29 November 1985.
34. Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law. [GA Res. 147, 16 Dec. 2005, A/RES/60/147; 13 IHRR 907 (2005)]
35. Déclaration de Stockholm sur l'environnement (Stockholm- 16 juin 1972)
36. Déclaration de la Conférence des Nation Unies sur l'environnement et le développement (Sommet de la Terre) Rio – 1992.
37. Convention pour la protection du Patrimoine mondial culturel et naturel, adoptée à la Conférence générale de l'UNESCO en 1972.

